

پژوهش‌های زبانی، دوره ۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱

## نظام وجهیت در زبان فارسی

(ص ۹۸-۷۷)

غلامحسین کریمی دوستان

استاد زبان‌شناسی، دانشگاه تهران

نگین ایلخانی پورا

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱/۲۸

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۱/۶/۱۷

### چکیده

در این مقاله بر آنیم تا الگویی برای مطالعه نظام‌مند وجهیت در زبان فارسی پیش روی نهیم. با این هدف، وجهیت را پدیده‌ای زبانی می‌انگاریم که می‌تواند در سطح جمله، در سطح سازه‌های کوچک‌تر از جمله یا در سطح گفتمان بیان شود. در چنین نظامی که وجهیت جمله‌ای، وجهیت زیرجمله‌ای و وجهیت گفتمانی طبقات اصلی آن را تشکیل می‌دهند، هر یک از عناصر وجهی را می‌توان به لحاظ واج‌شناختی، ساختوازی، نحوی، معنایی و کاربردشناختی مورد مطالعه قرار داد. در این میان، پژوهش‌های پیشین نظام وجهیت زبان فارسی را به لحاظ صرفی- نحوی در افعال وجهی، قیود وجهی و زمان گذشته خلاصه کرده‌اند و در میان ابعاد گوناگون وجهیت، ویژگی‌های معنایی عناصر وجهی را کانون توجه خود قرار داده‌اند. در صفحات حاضر، با به‌کارگیری الگوی پیشنهادی و معرفی سه بعد معنایی نیروی وجه، پایه وجه و منبع ترتیب و با توجه به پژوهش‌های پیشین در مورد نظام وجهیت زبان فارسی، اسامی وجهی و صفات وجهی را به این نظام معرفی می‌کنیم و ویژگی‌های معنایی و ساختوازی صفات وجهی فارسی و همچنین برخی از محدودیت‌های حاکم بر متم‌های اسمی این صفات را به اختصار توضیح می‌دهیم.

**واژه‌های کلیدی:** وجهیت جمله‌ای، وجهیت زیرجمله‌ای، وجهیت گفتمانی، نیروی وجه، پایه وجه، منبع ترتیب، اسامی وجهی.

## ۱- مقدمه

وجهیت<sup>۱</sup> از دیر باز موضوعی بحث‌برانگیز در میان منطقیون و زبان‌شناسان (اعم از صورت‌گرایان، نقش‌گرایان و شناختیون) بوده است (از جمله: فون‌رایت ۱۹۵۱؛ کریپکه ۱۹۵۹، ۱۹۶۳؛ کراتزر ۱۹۷۷، ۱۹۸۱، ۱۹۹۱، ۲۰۱۲؛ لاینز ۱۹۷۷؛ نویتس ۱۹۹۳، ۲۰۰۱، ۲۰۰۶؛ پالمر ۲۰۰۱؛ هکرد ۲۰۰۶، ۲۰۱۰؛ پورتنر ۲۰۰۹). پیچیدگی‌های درونی این مقوله زبانی از یک سو و تعامل آن با سایر مقولات زبانی (همچون زمان<sup>۲</sup>) از سوی دیگر زبان‌شناسان را به مطالعه جنبه‌های گوناگون وجهیت سوق داده است؛ ویژگی‌های معنایی، نحوی، ساختوازی و کاربردشناختی وجهیت همواره مورد توجه پژوهشگران بوده‌اند.

مطالعه وجهیت در زبان فارسی در سال‌های اخیر به پژوهش‌های زبانی جدی‌تر از پیش راه یافته است (اخلاقی ۱۳۸۶؛ طالقانی ۲۰۰۸؛ توانگر و عموزاده ۲۰۰۹؛ رحیمیان و واحدی ۲۰۱۰؛ عموزاده و رضایی ۱۳۸۹؛ عموزاده و شاه ناصری ۱۳۹۰). با این حال، دستاوردهای تحقیقات صورت‌گرفته اگرچه راه‌گشای مطالعات گسترده‌تری است، تصویری روشن و جامع از بازنمایی وجهیت در زبان فارسی به دست نمی‌دهند. در صفحات حاضر می‌کوشیم تا با نگاهی به مباحث نظری و با حفظ معیار صرفی- نحوی<sup>۳</sup> که در طبقه‌بندی عناصر وجهی فارسی در پژوهش‌های پیشین به کار رفته است، نظام وجهیت را در این زبان بازسازی کنیم و الگویی برای مطالعه نظام‌مند آن فراهم آوریم.

با این هدف، در بخش بعدی به تعریف و توضیح وجهیت به عنوان پدیده‌ای زبانی می‌پردازیم و بخش سوم را به بررسی سه بعد معنایی وجهیت، یعنی نیروی وجه<sup>۴</sup>، پایه<sup>۵</sup> وجه، و منبع ترتیب<sup>۶</sup> اختصاص می‌دهیم. در بخش چهارم پس از مرور پژوهش‌هایی که در طبقه‌بندی عناصر وجهی فارسی ما را یاری می‌کنند، با افزودن

- 
- 1.modality
  - 2.tense
  - 3.morphosyntactic
  - 4.modal force
  - 5.modal base
  - 6.ordering source

اسامی وجهی<sup>۱</sup> و صفات وجهی<sup>۲</sup>، نظام وجهیت زبان فارسی را به لحاظ صرفی- نحوی گسترش می‌دهیم. بخش پنجم را نقطه آغازی می‌سازیم برای مطالعه بازنمایی وجهیت در صفات فارسی و در بخش ششم جمع‌بندی مختصری از مطالب این پژوهش خواهیم داشت.

## ۲- وجهیت: پدیده‌ای زبانی

به دست دادن تعریفی جامع و مانع از وجهیت کار چندان ساده‌ای نیست. شاید فراگیرترین تعریف زبان‌شناختی از وجهیت که مقبول پژوهشگران ایرانی نیز بوده است معرفی آن به عنوان مقوله‌ای معنایی باشد که دیدگاه گوینده را نسبت به گزاره‌ای نشان می‌دهد (نگاه کنید به لاینز ۱۹۷۷؛ پالمر ۱۹۷۹، نقل از توانگر و عموزاده ۲۰۰۹: پانویس ۱؛ سعید ۲۰۰۹؛ و در میان پژوهشگران ایرانی: اخلاقی ۱۳۸۶: ۸۳؛ طالقانی ۲۰۰۸: ۱۱؛ توانگر و عموزاده ۲۰۰۹: ۸۵۳؛ عموزاده و رضایی ۱۳۸۹: ۵۸). در کنار این تعریف اما تعاریف دیگری نیز ارائه شده‌اند که وجهیت را مقوله‌ای زبانی (یا دستوری) و نه صرفاً معنایی می‌دانند (از جمله: پالمر ۲۰۰۱: ۱؛ نروگ ۲۰۰۵: ۱۸۹؛ پورتنر ۲۰۰۹: ۱؛ مورانت و اسپورلدر (زیر چاپ). پژوهش‌هایی که به بررسی ویژگی‌های نحوی و کاربردشناختی وجهیت پرداخته‌اند (از جمله: کراتزر ۱۹۷۷؛ وورمبرند ۱۹۹۹؛ باتلر ۲۰۰۳) نیز مؤید آنند که وجهیت مقوله‌ای زبانی است که می‌تواند به لحاظ معنایی، نحوی، کاربردشناختی و ساختوازی مطالعه شود اگرچه غالب پژوهش‌های صورت گرفته به ویژگی‌های معنایی وجهیت پرداخته‌اند که خود می‌تواند ریشه در معناشناسی جهان‌های ممکن<sup>۳</sup> داشته باشد که به گفته پورتنر (۲۰۰۹: ۱۳۱) بهترین پایگاه نظری را برای درک ماهیت وجهیت فراهم می‌آورد.

در مقاله حاضر، با هدف دستیابی به الگویی برای مطالعه نظام‌مند عناصر وجهی زبان فارسی، تعریف و طبقه‌بندی پورتنر (۲۰۰۹) را از وجهیت می‌پذیریم که بر اساس آن نه تنها می‌توان به ویژگی‌های معنایی، نحوی، کاربردشناختی و ساختوازی هر عنصر وجهی به طور جداگانه و در ارتباط با سایر عناصر وجهی پرداخت که می‌توان با

1. modal nouns
2. modal adjectives
3. Possible worlds semantics

کنار هم قرار دادن این عناصر به تصویری کامل از نظام وجهیت در یک زبان دست یافت.

پورتنر (۲۰۰۹: ۱) وجهیت را پدیده‌ای زبانی می‌داند «که به موجب آن دستور سخن گفتن درباره، یا بر اساس، موقعیت‌هایی را ممکن می‌سازد که لزوماً واقعی نیستند.» با استفاده از این تعریف، پورتنر (۲۰۰۹: ۲-۸) طبقه‌بندی جدیدی از عناصر وجهی به دست می‌دهد که خلاصه آن را در (۱) می‌آوریم.

(۱) الف. وجهیت جمله‌ای<sup>۱</sup>: بازنمایی مفاهیم وجهی در سطح جمله را شامل می‌شود. از عناصر وجهی این طبقه می‌توان به افعال وجهی (مانند *توانستن* و *احتمال داشتن*)، قیود وجهی (مانند *احتمالاً* و *بی‌شک*) و زمان (کاربرد آینده محور زمان گذشته) اشاره کرد.

ب. وجهیت زیرجمله‌ای<sup>۲</sup>: شامل بازنمایی مفاهیم وجهی در سازه‌های کوچک‌تر از جمله مانند گروه‌های اسمی است. صفات وجهی (مانند *ممکن* و *احتمالی*)، وجه فعلی<sup>۳</sup> (به ویژه اخباری و التزامی) و افعال گزاره‌نگر<sup>۴</sup> (مانند *دانستن* و *امیدوار بودن*) از جمله عناصر بیانگر وجهیت زیرجمله‌ای هستند.

ج. وجهیت گفتمانی<sup>۵</sup>: بازنمایی مفاهیم وجهی در سطح گفتمان را شامل می‌شود. بارزترین مورد وجهیت گفتمانی شهودیت<sup>۶</sup> است.

همین‌طور که اشاره شد، عناصری که عهده‌دار بازنمایی وجهیت جمله‌ای، زیرجمله‌ای و گفتمانی هستند را می‌توان به لحاظ معنایی، نحوی، ساختوازی، کاربردشناختی و حتی واج شناختی مطالعه کرد. از آنجا که بررسی هر یک از این موارد خود نیازمند پژوهش‌های متعدد است، در ادامه تنها به سه بعد معنایی پایه وجه، نیروی وجه و منبع ترتیب می‌پردازیم که در مطالعه عناصر وجهی فارسی، اگرچه نه با جزئیاتی که در اینجا مطرح می‌شود، مورد توجه پژوهشگران ایرانی بوده‌اند.

1. sentential modality

2. sub-sentential modality

۳. به پیروی از اخلاقی (۱۳۸۶) «وجه فعلی» را معادل مناسبی برای (verbal) mood می‌دانیم که آن را از وجه/وجه‌نما (modal) متمایز می‌سازد.

4. propositional attitude verbs

5. discourse modality

6. evidentiality

### ۳- ابعاد معنایی وجهیت

کراتزر (۱۹۸۱، ۱۹۹۱) نیروی وجه، پایه وجه و منبع ترتیب را ابعاد معنایی وجهیت می‌داند که بر اساس آن‌ها می‌توان عناصر وجهی را در زبان‌های گوناگون مطالعه کرد. در این بخش، نظر کراتزر (۱۹۸۱، ۱۹۹۹) را مبنا قرار می‌دهیم و در کنار آن به نظرات دیگر پژوهشگران در مورد این سه بعد معنایی اشاره می‌کنیم.

#### ۳-۱- نیروی وجه: الزام و امکان

الزام و امکان برای نخستین بار به صورت تمایزی دوگانه در منطق موجهات مطرح گردیدند (لاینز ۱۹۷۷: ۷۸۷) و در منطق محمولات با دو عملگر  $\Diamond$  (ممکن است که) و  $\Box$  (لازم است که) نشان داده شدند. بنابراین، در منطق محمولات،  $\Diamond p$  یعنی تحقق گزاره  $p$  (در جهانی از جهان‌های ممکن) ممکن است و  $\Box p$  یعنی تحقق گزاره  $p$  (در تمامی جهان‌های ممکن) لازم است (نگاه کنید به سعید ۲۰۰۹: ۳۳۶؛ فون فینتل ۲۰۰۶).

این تمایز دوگانه الزام و امکان، در تحلیل‌های زبان‌شناختی جای خود را به چندگانه‌ها و پیوستارهایی می‌دهد که نشان‌دهنده میزان تعهد گوینده به گزاره‌ای که بیان می‌کند و درجه اطمینان او از تحقق آن گزاره هستند (از جمله: الن ۱۹۸۶: ۲۸۹-۲۹۰؛ کراتزر ۱۹۹۱: ۶۴۴؛ پورتنر ۲۰۰۹: ۶۸-۸۱؛ توانگر و عموزاده ۲۰۰۹: ۸۵۵). برای مثال، توانگر و عموزاده (۲۰۰۹: ۸۵۵) برای وجهیت معرفتی<sup>۱</sup> پیوستاری پیش روی می‌نهند که در یک انتهای آن امکان و در انتهای دیگر الزام است و احتمال در میانه پیوستار قرار می‌گیرد.

با استفاده از نظرات پالم (۲۰۰۱: ۸۹) و کراتزر (۱۹۹۱) که الزام و امکان را برای وجهیت غیرمعرفتی<sup>۲</sup> هم به کار می‌برند می‌توان پیوستار توانگر و عموزاده (۲۰۰۹: ۸۵۵) را در مورد وجه نماهای غیرمعرفتی نیز به کار برد که در آن صورت الزام، احتمال و امکان به ترتیب دربردارنده مفاهیم اجبار، توصیه و اجازه خواهند بود. نمودار ۱ جایگاه سه وجه نما معرفتی باید، احتمالاً و ممکن بودن و سه وجه نما غیرمعرفتی باید، بهتر بودن و توانستن را که در جملات (۲-۴) به کار رفته‌اند بر پیوستاری که آن را

1. epistemic

2. non-epistemic

پیوستار نیروی وجه می‌نامیم نشان می‌دهد (اصطلاح «نیروی وجه» را از کراتزر (۱۹۹۹) وام گرفته‌ایم).

(۲) الف. باید تا حالا رسیده باشن. (الزام معرفتی)

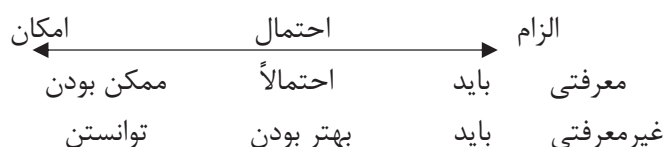
ب. باید مشقاتو بنویسی. (الزام غیر معرفتی: اجبار)

(۳) الف. احتمالاً تا حالا رسیدن. (احتمال معرفتی)

ب. بهتره که مشقاتو بنویسی. (احتمال غیر معرفتی: توصیه)

(۴) الف. ممکنه تا حالا رسیده باشن. (امکان معرفتی)

ب. می‌تونن مشقاتو بنویسی. (امکان غیر معرفتی: اجازه)



نمودار ۱. چند وجه نمای معرفتی و غیر معرفتی فارسی بر پیوستار نیروی وجه.

کراتزر (۱۹۹۱) نیز در تحلیل معناشناختی خود از وجهیت، از تمایز دوگانه الزام و امکان اجتناب می‌کند و چندگانه‌هایی چون «الزام»، «الزام ضعیف»<sup>۱</sup>، «امکان»، «امکان ضعیف»<sup>۲</sup>، «امکان قوی»<sup>۳</sup> و «امکان قوی‌تر»<sup>۴</sup> را مطرح می‌کند که تحت عنوان «نیروی وجه» بررسی می‌شوند؛ جدول ۱ بازنمایی برخی از آن‌ها را در زبان انگلیسی نشان می‌دهد (کراتزر ۱۹۹۱: ۶۴۴ و ۶۴۹؛ همچنین نگاه کنید به پورتنر ۲۰۰۹: ۷۳-۷۴ برای نقدی بر نظر کراتزر).

البته کراتزر (۱۹۹۱: ۶۴۹) فهرست چندگانه‌های نیروی وجه را باز می‌گذارد، به این معنی که ممکن است در زبانی به طور مثال الزام قوی هم داشته باشیم.

1. weak necessity
2. slight possibility
3. good possibility
4. better possibility

الزام	must
الزام ضعیف	probably
امکان	might
امکان ضعیف	There is a slight possibility that ...
امکان قوی	There is a good possibility that ...
امکان قوی‌تر	It is more likely that ... than that ...

جدول ۱. نیروی وجه در چند وجه نمای انگلیسی (برگرفته از کراتزر ۱۹۹۱)

علاوه بر نیروی وجه که منطق موجّهات را به معنی‌شناسی زبان‌شناختی گره می‌زند، کراتزر (۱۹۸۱، ۱۹۹۱) در تحلیل خود از وجهیت با معرفی «زمینه محاوره‌ای»<sup>۱</sup>، کاربردشناسی و معنی‌شناسی را نیز آشتی می‌دهد. در ادامه، دو نوع زمینه محاوره‌ای، یعنی پایه وجه و منبع ترتیب را توضیح می‌دهیم.

### ۳-۲- زمینه محاوره‌ای: پایه وجه و منبع ترتیب

مهم‌ترین و قدیم‌ترین طبقه‌بندی مفاهیم وجهی بر اساس تمایزی که در جملات (۵) و (۶) می‌بینیم صورت می‌گیرد. جمله (۵) با معرفت و قضاوت گوینده در مورد یک گزاره ارتباط دارد و به همین دلیل آن را دربردارنده وجهیت معرفتی می‌دانیم درحالی‌که جمله (۶) نگرش گوینده را به رویدادی بالقوه نشان می‌دهد و با عوامل اجتماعی سروکار دارد و بدین ترتیب دربردارنده وجهیت تکلیفی<sup>۲</sup> است (نگاه کنید به پالمر ۲۰۰۱: ۷-۸؛ پورتنر ۲۰۰۹: ۲؛ سعید ۲۰۰۹: ۱۳۹-۱۴۰).

(۵) باید خیلی مریض باشه که نیومده. (وجهیت معرفتی)

(۶) باید ازش عذرخواهی کنی. (وجهیت تکلیفی)

کراتزر (۱۹۷۷، ۱۹۸۱، ۱۹۹۱) با تکیه بر معناشناسی جهان‌های ممکن این تمایز را ناشی از تفاوت در پایه وجه می‌داند. در تحلیل کراتزر (۱۹۹۱: ۶۴۵-۶۴۶)، پایه وجه نوعی «زمینه محاوره‌ای» است که «مجموعه جهان‌های قابل‌دسترس<sup>۳</sup> را (برای جهانی مشخص) تعیین می‌کند.» او وجهیت معرفتی را ناشی از «پایه وجه معرفتی»

1. conversational background

2. deontic

3. accessible worlds

می‌داند که مجموعه جهان‌های قابل‌دسترس را با توجه به شواهد موجود و بر اساس دانش گوینده تعیین می‌کند و سایر انواع وجهیت را ناشی از «پایه وجه وضعیتی»<sup>۱</sup> در نظر می‌گیرد که مجموعه جهان‌های قابل‌دسترس را با توجه به رویداد موجود و بر اساس قوانین حاکم بر آن تعیین می‌کند (کراتزر ۱۹۹۱: ۶۴۴ و ۶۴۶). بنابراین، پایه وجه در جمله (۵) معرفتی و در جمله (۶) وضعیتی است.

در کنار پایه وجه، کراتزر (۱۹۸۱: ۴۷-۵۱، ۱۹۹۱: ۶۴۴، ۶۴۶ و ۶۴۹) زمینه محاوره‌ای دیگری را با عنوان «منبع ترتیب» معرفی می‌کند که مبین تفاوت‌های ظریف‌تری است که در میان عناصر وجهی با پایه وجه معرفتی یا وضعیتی یافت می‌شوند. منبع ترتیب در واقع تعیین‌کننده معیاری است که بر اساس آن جهان‌های قابل‌دسترس (از جهان حاضر) ترتیب می‌یابند. به طور مثال، پایه وجه عناصر وجهی در جملات (۷) و (۸) وضعیتی است چرا که در هر دو مورد با وجهیت غیرمعرفتی سروکار داریم اما جهان‌های قابل‌دسترس در جمله (۷) بر اساس هدفی که فاعل باید به آن برسد و در جمله (۸) بر اساس محدودیت‌های که رژیم غذایی اعمال می‌کند تعیین می‌شوند و بدین ترتیب در جمله (۷)، منبع ترتیب هدفمند<sup>۲</sup> و در جمله (۸)، منبع ترتیب تکلیفی است.

(۷) باید زود بیدار شی تا به کلاس برسی. (پایه وجه وضعیتی، منبع ترتیب هدفمند)  
 (۸) تو این رژیم، باید فقط سبزیجات بخوری. (پایه وجه وضعیتی، منبع ترتیب تکلیفی)  
 کراتزر (۱۹۸۱، ۱۹۹۱) فهرستی بسته و کامل از منابع ترتیب به دست نمی‌دهد و تنها به این توضیح اکتفا می‌کند که پایه وجه معرفتی پذیرای آن دسته از منابع ترتیب است که به دانسته‌های فرد مربوطند و رایج‌ترین آن‌ها منبع ترتیب کلیشه‌ای<sup>۳</sup> است و پایه وجه وضعیتی هم‌ساز با منابع ترتیبی است که ریشه در قوانین (منبع ترتیب تکلیفی)، آرزوها (منبع ترتیب درخواستی)<sup>۴</sup> و اهداف (منبع ترتیب هدفمند) دارند (کراتزر ۱۹۹۱: ۶۴۹-۶۵۰؛ همچنین نگاه کنید به هکرد ۲۰۱۰: ۸۵). تمایز معرفتی- غیرمعرفتی که در بالا به آن اشاره کردیم در مطالعه معناشناختی وجهیت بسیار مورد توجه پژوهشگران

1. circumstantial
2. teleological
3. stereotypical
4. bouletic



بوده است تا آنجا که هر یک از سرآمدان این حوزه به گونه‌ای آن را گسترش داده‌اند و اصطلاحاتی نو برای زیر طبقاتی که معرفی کرده‌اند به کار برده‌اند. از آنجا که بررسی موردی این طبقه‌بندی‌ها از اهداف مقاله حاضر نیست تنها به جدول ۲ اکتفا می‌کنیم که خلاصه‌ای مقایسه‌ای از طبقه‌بندی پالمر (۲۰۰۱)، هکرد (۲۰۰۶) و پورتنر (۲۰۰۷)، (۲۰۰۹) را نشان می‌دهد (همچنین نگاه کنید به جدول ۱-۴ در پورتنر ۲۰۰۹: ۱۴۰) و برای توضیحات و مثال‌هایی از زبان‌های مختلف خواننده را به منابع ذکرشده ارجاع می‌دهیم (برای مثال‌های فارسی، نگاه کنید به اخلاقی ۱۳۸۶؛ طالقانی ۲۰۰۸: فصل ۲؛ عموزاده و رضایی ۱۳۸۹).

البته باید در نظر داشت که مطالعه عناصر وجهی فارسی بر اساس هر یک از این طبقه‌بندی‌ها اگرچه محاسنی دارد، ما را با مشکلاتی نیز مواجه می‌کند؛ این طبقه‌بندی‌ها فرصتی برای توصیف دقیق ویژگی‌های معنایی وجه نماهای فارسی فراهم می‌آورند، اما باید مراقب باشیم که در دام توصیف محض گرفتار نیاییم و این یکی از معایب چنین مطالعاتی است. همان‌طور که از جدول ۲ هم پیداست، مشکل دیگر ناشی از تعدد و تنوعی است که در نام‌گذاری مفاهیم وجهی به چشم می‌خورد؛ در مطالعه عناصر وجهی زبان فارسی، اگر بخواهیم با پژوهش‌های پیشین (از جمله: اخلاقی ۱۳۸۶؛ طالقانی ۲۰۰۸) هماهنگ باشیم، باید از اصطلاحات پالمر استفاده کنیم و اگر بخواهیم هم‌پای مطالعات روز باشیم، باید از طبقه‌بندی پالمر فاصله بگیریم گذشته از آنکه در پژوهش‌هایی که به زبان فارسی نگاشته شده‌اند (از جمله پژوهش حاضر)، معادل‌های یکسانی هم برای این اصطلاحات ارائه نشده است.

پالمر ۲۰۰۱	گزاره‌ای <sup>۱</sup> معرفتی شهودی <sup>۲</sup> حسّی <sup>۳</sup> گزارشی <sup>۴</sup> فرضی <sup>۵</sup> قیاسی <sup>۶</sup>	رویدادی <sup>۲</sup> تکلیفی پویا <sup>۴</sup> توانمندی <sup>۱۳</sup> ارادی <sup>۱۴</sup>
هکرد ۲۰۰۶	معرفتی تکلیفی حقیقی <sup>۱۵</sup> هدفمند <sup>۱۷</sup> توانمندی	ریشه‌ای <sup>۱۶</sup>
پورتنر ۲۰۰۹	معرفتی تکلیفی درخواستی هدفمند	پویا ترجیحی <sup>۱۸</sup> ارادی سوردار <sup>۱۹</sup>

جدول ۲. طبقه‌بندی‌های معنایی وجهیت.

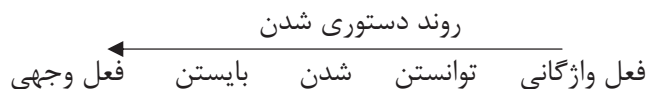
تا به اینجا، تعریف پورتنر (۲۰۰۹) از وجهیت و طبقه‌بندی او از عناصر وجهی را به عنوان الگویی مناسب برای مطالعه نظام‌مند وجهیت در زبان فارسی پذیرفتیم و به بررسی سه بعد معنایی وجهیت، یعنی نیروی وجه، پایه وجه و منبع ترتیب از دید کراتزر (۱۹۸۱، ۱۹۹۱) و سایر پژوهشگران پرداختیم. در بخش بعدی، نخست پژوهش‌هایی را مرور می‌کنیم که به نوعی تلاش کرده‌اند تا عناصر وجهی فارسی را طبقه‌بندی کنند و سپس با توجه به وجهیت زیرجمله‌ای پورتنر (۲۰۰۹) و از رهگذر طبقه‌بندی صرفی-

1. propositional
2. eventive
3. evidential
4. dynamic
5. speculative
6. deductive
7. assumptive
8. reported
9. sensory
10. permissive
11. obligative
12. commissive
13. abilitative (ability in Hacquard 2006)
14. volitive (volitional in Portner 2009)
15. true deontic
16. root
17. goal-oriented (also teleological in Portner 2009)
18. priority
19. quantificational

نحوی عناصر وجهی در زبان فارسی، اسامی وجهی و صفات وجهی فارسی را به نظام وجهیت در این زبان معرفی می‌نماییم.

#### ۴- نظام وجهیت در زبان فارسی

اخلاقی (۱۳۸۶) با تکیه بر آرای پالم (۱۹۷۹، ۱۹۸۶، ۱۹۹۴) به توصیف ویژگی‌های معنایی و رفتار نحوی سه فعل وجهی بایستن، شدن و توانستن در پیکره‌ای شامل چهار هزار نمونه از کاربرد این فعل‌ها می‌پردازد و آن سه را با توجه به ویژگی‌های داشتن ارجاع زمانی، هم‌آیی با فعل کمکی آینده‌ساز خواستن و هم‌آیی با فعل وجهی بایستن بر پیوستاری مشابه آنچه در زیر مشاهده می‌کنید قرار می‌دهد.



نمودار ۲. روند دستوری شدن سه فعل وجهی (برگرفته از اخلاقی ۱۳۸۶: ۱۲۸).

البته پژوهش اخلاقی (۱۳۸۶) نمی‌گوید که جایگاه این سه فعل وجهی در نظام وجهیت زبان فارسی کجاست و اصلاً این سه عنصر وجهی بر اساس چه معیاری انتخاب شده‌اند؛ گویی خواننده خود باید از واژه فعل دریابد که جز فعل، مقولات واژگانی دیگر همچون قید نیز می‌توانند بیانگر وجهیت باشند و معیاری صرفی- نحوی برای طبقه‌بندی عناصر وجهی در زبان فارسی مدنظر بوده است. چنین برداشتی با طبقه‌بندی طالقانی (۲۰۰۸: ۱۱-۱۲ و ۱۷) هم‌خوانی دارد؛ او معتقد است که در زبان فارسی، بازنمایی وجهیت بر عهده دو مقوله واژگانی است: (۱) افعال وجهی که خود شامل افعال کمکی وجهی<sup>۱</sup> مانند باید و توانستن، و افعال مرکب وجهی<sup>۲</sup> مانند ممکن بودن و احتمال احتمال داشتن می‌شود و (۲) قیدهایی وجهی مانند حتماً و احتمالاً. طالقانی (۲۰۰۸) سپس به بررسی تعابیر معنایی این عناصر وجهی بر اساس نظرات پالم (۲۰۰۱) و بازنمایی نحوی آن‌ها در چارچوب برنامه کمینه‌گرای چامسکی (۱۹۹۵) می‌پردازد که مرور آن در این مختصر نمی‌گنجد.

1. auxiliary modal verbs

2. complex modal verbs

معیار صرفی- نحوی طالقانی (۲۰۰۸) در طبقه‌بندی عناصر وجهی زبان فارسی با تفاوت‌هایی در توصیف توانگر و عموزاده (۲۰۰۹) از نظام وجهیت در این زبان حفظ می‌شود. آن‌ها چهار مقوله اصلی را برای بیان وجهیت در زبان فارسی پیش روی می‌گذارند: (۱) قیده‌های وجهی مانند بی‌شک و حتماً، (۲) افعال واژگانی وجهی<sup>۱</sup> مانند نظر آمدن و اجازه دادن، (۳) افعال کمکی وجهی مانند توانستن و خواستن، و (۴) محمول‌های حالت ذهنی<sup>۲</sup> مانند فرض کردن و حدس زدن (توانگر و عموزاده ۲۰۰۹: ۸۵۸-۸۶۰) که البته سه مورد اخیر را می‌توان تحت شمول مقوله کلی‌تر افعال وجهی دانست. علاوه بر این موارد، توانگر و عموزاده (۲۰۰۹: ۸۶۰) زمان گذشته ساده را ابزار دیگری برای بازنمایی وجهیت در زبان فارسی می‌دانند که اشاره به آینده دارد و بیانگر تعهد گوینده به محتوای گزاره‌ای<sup>۳</sup> گفته‌اش است. به طور مثال، در مکالمه زیر (مثال ۲۲ در توانگر و عموزاده ۲۰۰۹) فعل‌های خوردم و اومدم به صورت گذشته ساده صرف شده‌اند اما شنونده انتظار وقوع آن‌ها در آینده را دارد و از سوی دیگر گوینده قطعیت وقوع آن‌ها را متعهد می‌شود (برای جزئیات بیشتر و تحلیلی معنایی-کاربرد شناختی از نقش زمان گذشته ساده در القای مفاهیم وجهی نگاه کنید به توانگر و عموزاده ۲۰۰۹: ۸۶۱-۸۷۱).

(۹) - ما زیاد وقت نداریم، باید عجله کنیم.

- نگران نباش. من غذا خوردم و اومدم.

تا به اینجا، فارغ از تفاوتی که در طبقه‌بندی طالقانی (۲۰۰۸) و توانگر و عموزاده (۲۰۰۹) از افعال وجهی مشاهده می‌کنیم و با افزودن زمان به عنوان مقوله‌ای صرفی- نحوی، می‌توانیم نظام وجهیت زبان فارسی را شامل افعال وجهی، قیده‌های وجهی و زمان بدانیم. اما با نگاهی دقیق‌تر به ساختار درونی آنچه طالقانی (۲۰۰۸) افعال مرکب وجهی می‌نامد در می‌یابیم که در این افعال، بازنمایی وجهیت توسط پیش فعل (جزء غیر فعلی) و نه فعل سبک (جزء فعلی) صورت می‌گیرد چرا که فعل‌های سبک شرکت‌کننده در افعال مرکب وجهی همان‌طور که در (۱۰) می‌بینیم می‌توانند در ساخت فعل‌های مرکب غیروجهی نیز حضور داشته باشد و بنابراین عهده‌دار بازنمایی

1. modal lexical verbs
2. mental state predicates
3. propositional content

وجهیت نیستند مگر آنکه در مورد این افعال سبک قائل به هم‌نامی یا چندمعنایی شویم که این خود با اصل اقتصاد مغایر است و از سوی دیگر کریمی‌دوستان (۱۹۹۷، ۲۰۰۵) معتقد است که این افعال به لحاظ معنایی تهی هستند.

(۱۰) الف. احتمال داشتن، مجبور کردن (افعال مرکب وجهی)

ب. به یاد داشتن، تلاش کردن (افعال مرکب غیروجهی)

همچنین پیش فعل در مرکب وجهی، چه اسم باشد (مانند احتمال در احتمال/داشتن) چه صفت (مانند لازم در لازم بودن)، می‌تواند در ساخت‌هایی غیرفعلی به کار رود و جالب آنکه این ساخت‌های غیرفعلی به واسطه آن عناصر بیانگر مفهومی وجهی می‌شوند؛ فاعل جمله (الف.۱۱) دربردارنده وجهیت معرفتی و مفعول جمله (الف.۱۲) دربردارنده وجهیت غیرمعرفتی است. با حذف واژه‌های احتمال و لازم چنانچه در جملات (ب.۱۱) و (ب.۱۲) مشاهده می‌کنیم مفاهیم وجهی نیز ناپدید می‌شوند.

(۱۱) الف. احتمال شیوع این بیماری بسیار بالاست.

ب. شیوع این بیماری همه را ترسانده است.

(۱۲) الف. وسایل لازم را آورده‌ام. (وسایلی که باید می‌آوردم را آوردم)

ب. وسایل را آورده‌ام.

بنا بر دو مقدمه فوق چنین نتیجه‌گیری می‌کنیم که در افعال مرکب وجهی فارسی، بازنمایی وجهیت بر عهده جزء غیرفعلی است.<sup>۱</sup> همچنین با مروری بر وجهیت زیرجمله‌ای پورتنر (۲۰۰۹)، از مقدمه دوم در بالا می‌توان به نتیجه دیگری نیز رسید و آن اینکه در زبان فارسی اسامی و صفات هم می‌توانند بیانگر مفاهیم وجهی در سطح سازه‌های کوچک‌تر از جمله باشند و بدین ترتیب با حفظ معیار صرفی - نحوی طالقانی (۲۰۰۸) و توانگر و عموزاده (۲۰۰۹)، مقولات وجهی در نظام وجهیت زبان فارسی را به صورت (۱۳) گسترش می‌دهیم و البته یادآور می‌شویم که الگوی پیشنهادی ما برای

۱. یکی از داوران مقاله استدلال دیگری در تأیید این نظر دارد که به جایگزینی فعل سبک در افعال مرکب وجهی مربوط می‌شود. مثلاً، در فعل مرکب وجهی «به نظر آمدن»، جایگزینی «آمدن» با فعل سبک «رسیدن» تغییری در وجهیت فعل مرکب ایجاد نمی‌کند: «به نظر رسیدن»؛ اما جایگزینی «به نظر» با «به یاد» سبب حذف مفهوم وجهیت می‌شود: «به یاد آمدن».

مطالعه و جهیت در زبان فارسی همان است که به پیروی از پورتنر (۲۰۰۹) در بخش ۲ مطرح کردیم و این طبقه‌بندی صرفی- نحوی تنها به این دلیل ارائه شده است که حفظ چنین معیاری ما را از پیشینه تحقیق در جهیت در زبان فارسی منفک نمی‌کند و به این پژوهش‌ها انسجام می‌بخشد.

(۱۳) - اسامی وجهی (مانند احتمال، ضرورت).

- صفات وجهی (مانند احتمالی، ضروری).

- افعال وجهی (مانند احتمال داشتن، توانستن).

- قیود وجهی (مانند احتمالاً، بی‌شک) و

- زمان (مانند کاربرد آینده‌محور زمان گذشته ساده).

این بخش را با طرح دو سؤال در مورد وجه فعلی به پایان می‌رسانیم: آیا وجه فعلی به عنوان مقوله‌ای صرفی- نحوی باید در طبقه‌بندی (۱۳) به صورت مستقل مطرح شود؟ و آیا چنین مقوله‌ای به تنهایی می‌تواند بیانگر جهیت باشد؟ یافتن پاسخی برای این سؤالات قطعاً به درک ما از جهیت زیرجمله‌ای پورتنر (۲۰۰۹) کمک خواهد کرد (برای جزئیات بیشتر در مورد وجه فعلی در زبان فارسی نگاه کنید به رحیمیان ۱۳۷۸؛ درزی ۲۰۰۸؛ طالقانی ۲۰۰۸).

در بخش پنجم، صفات وجهی زبان فارسی را معرفی می‌کنیم و ویژگی‌های معنایی و ساختوازی آن‌ها را به اختصار توضیح می‌دهیم.

## ۵- صفات وجهی در زبان فارسی

همان‌طور که در بخش پیش اشاره کردیم، در زبان فارسی نیز، همانند بسیاری از زبان‌های دیگر همچون آلمانی و انگلیسی، صفات می‌توانند در بردارنده مفاهیم وجهی باشند که در این صورت آن‌ها را «صفات وجهی» می‌خوانیم. این صفات از ابزار بازنمایی وجهیت زیرجمله‌ای هستند که می‌توانند یک گروه اسمی را توصیف کنند یا با حضور در ساختمان افعال مرکب وجهی (مانند ممکن بودن) نقشی در بازنمایی وجهیت جمله‌ای داشته باشند. در این بخش ابتدا به بررسی بازنمایی سه بعد معنایی نیروی وجه، پایه وجه و منبع ترتیب در این صفات می‌پردازیم و سپس برخی از ویژگی‌های ساختوازی آن‌ها و بعضی از محدودیت‌های حاکم بر متم‌های اسمیشان را بررسی می‌کنیم.

## ۵-۱- ابعاد معنایی صفات وجهی فارسی

نخستین و ساده‌ترین تقسیم‌بندی صفات وجهی فارسی بر پایه تمایز معنایی معرفتی- غیرمعرفتی صورت می‌پذیرد. بر این اساس، آنجا که ذهن گوینده و دانش او از جهان و تصوّرش از موقعیت‌های فرضی صفتی را برگزیند، با صفات وجهی معرفتی سروکار داریم و آنجا که عوامل اجتماعی (مانند هنجارهای اجتماعی) یا توانمندی‌های درونی موجودات<sup>۱</sup> و رویدادها حضور صفتی را می‌طلبند، با صفات وجهی غیرمعرفتی روبرویم. بدین ترتیب، جملات (الف-۱۴، ج-۱۴) دربردارنده صفات وجهی معرفتی و جملات (الف-۱۵، ج-۱۵) دربردارنده صفات وجهی غیرمعرفتی هستند.<sup>۲</sup>

(۱۴) الف. پذیرش قطعی این مقاله را پیش‌بینی می‌کردیم!

ب. یکی از داوران احتمالی این مقاله عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز است!

ج. نویسندگان این مقاله کارهای ناممکن را ممکن می‌کنند!

(۱۵) الف. شرط لازم آن است که از عقل غافل نباشی!

ب. دنیای من تفسیرپذیر است اما کو مفسر قابل اعتماد؟!

ج. آرزوهای من دست‌یافتنی هستند!

همان‌طور که در بخش ۳-۲ توضیح دادیم، عناصر وجهی معرفتی دارای پایه وجه معرفتی و عناصر وجهی غیرمعرفتی دارای پایه وجه وضعیتی هستند. صفات وجهی نیز از این قاعده مستثنی نیستند و بنابراین، صفات وجهی معرفتی (الف-۱۴، ج-۱۴) دارای پایه وجه معرفتی و صفات وجهی غیرمعرفتی (الف-۱۵، ج-۱۵) دارای پایه وجه وضعیتی خواهند بود. در کنار این تمایز، منبع ترتیب کراتزر (۱۹۸۱، ۱۹۹۱) نیز تفاوت‌های ظریف‌تری را در میان صفات وجهی آشکار می‌سازد. به طور مثال، صفاتی که در جملات (۱۴) مشاهده می‌کنیم همگی دارای پایه وجه معرفتی هستند، یعنی جهان‌های

### 1. entities

۲. البته صفتی همچون مطمئن هم باید در نظر داشت؛ این صفت، چنانکه در جملات (۱) و (۲) می‌بینیم، بنا بر جایگاهش در جمله (اینکه جزء غیرفعلی یک محمول مرکب باشد مانند (۱) یا در جایگاه صفتی ظاهر شود که توصیفگر یک گروه اسمی است مانند (۲)، می‌تواند تعبیر معرفتی یا غیرمعرفتی داشته باشند. در این مقاله، از چنین مثال‌هایی آگاهانه چشم می‌پوشیم.

(۱) استادم مطمئن نیست که من بهترین دانشجوی این دانشکده باشم! (معرفتی)

(۲) آدم مطمئنی است. (غیرمعرفتی)

قابل دسترس توسط دانش گوینده تعیین می‌شوند، اما منبع این دانش (و به دنبال آن آنچه به جهان‌های قابل دسترس نظم می‌بخشد) در جمله (الف.۱۴) فرضیات گوینده، در جمله (ب.۱۴) انتظارات گوینده در مورد آنچه واقع خواهد شد و در جمله (ج.۱۴) باورهای گوینده در مورد امکانات جهان حاضر است که در نتیجه آن جمله (الف.۱۴) دربردارنده منبع ترتیب فرضی، جمله (ب.۱۴) دربردارنده منبع ترتیب کلیشه‌ای و جمله (ج.۱۴) دربردارنده منبع ترتیب اعتقادی<sup>۱</sup> خواهد بود.

در مورد صفات وجهی با پایه وجه وضعیتی نیز می‌توان منابع ترتیب مختلفی را تشخیص داد. به طور مثال، منبع ترتیب برای صفت لازم در جمله (الف.۱۵) تکلیفی است چرا که جهان‌های قابل دسترس بر اساس قوانینی که در آن موقعیت خاص حاکمند تعیین می‌شوند. در جمله (ب.۱۵) از آنجا که گوینده در نسبت دادن صفت قابل اعتماد به مفسر هدفی خاص (یعنی تفسیر دنیایش) را در ذهن دارد، منبع ترتیب صفت وجهی قابل اعتماد هدفمند است و در جمله (ج.۱۵) خواست گوینده است که ذهن را از جهان حاضر به جهان‌های ممکن سوق می‌دهد و بنابراین منبع ترتیب صفت دست یافتنی درخواستی است.<sup>۲</sup>

علاوه بر دو زمینه محاوره‌ای پایه وجه و منبع ترتیب، بعد معنایی دیگری که ما را در شناخت صفات وجهی فارسی یاری می‌کند نیروی وجه است که به الزام یا امکان وجود یا وقوع یک گزاره مربوط می‌شود (نگاه کنید به بخش ۳-۱). بر اساس این بعد معنایی می‌توان در مورد میزان اطمینان گوینده از تحقق رویداد یا حالتی (در مورد صفات وجهی معرفتی) یا میزان الزام‌آوری قوانین، آرزوها، اهداف و غیره (در مورد صفات وجهی غیرمعرفتی) قضاوت کرد.

### 1. doxastic

۲. شایان ذکر است که تشخیص منبع ترتیب عناصر وجهی کار چندان ساده‌ای نیست و پژوهشگر یا باید از تمام جزئیات بافت آگاه باشد و یا باید از دانسته‌ها و اعتقادات گوینده اطلاع تام داشته باشد. در اینجا، گوینده جملات (۱۴) و (۱۵) یکی از نگارندگان مقاله است و قضاوت در مورد منابع ترتیب صفات وجهی بر اساس نوعی خودآگاهی از ذهن گوینده صورت گرفته است.



جدول ۳ خلاصه‌ای است از سه بعد معنایی نیروی وجه، پایه وجه و منبع ترتیب در شش صفت وجهی فارسی که در جملات (۱۴) و (۱۵) به کار رفته‌اند. بی‌شک مطالعه ابعاد معنایی صفات وجهی فارسی به آنچه در این بخش مطرح کردیم خلاصه نمی‌شود و این سطور تنها درآمدی بر پژوهش در این موضوع است. در ادامه به برخی از ویژگی‌های ساختارهای این صفات اشاره می‌کنیم.

منبع ترتیب	پایه وجه	نیروی وجه	
فرضی	معرفتی	الزام	قطعی
کلیشه‌ای	معرفتی	امکان قوی	احتمالی
اعتقادی	معرفتی	امکان	ممکن
تکلیفی	وضعیتی	الزام	لازم
هدفمند	وضعیتی	امکان	قابل اعتماد
درخواستی	وضعیتی	امکان	دست‌یافتنی

جدول ۳. ابعاد معنایی چند صفت وجهی فارسی.

### ۵-۲- ویژگی‌های ساختارهای صفات وجهی فارسی

صفاتی که دربردارنده پایه وجه معرفتی هستند، همان‌طور که در (۱۶) مشاهده می‌کنیم، به لحاظ ساختارهای به دو دسته تقسیم می‌شوند:

(۱۶) الف. صفاتی که از زبان عربی وام گرفته شده‌اند، مانند ممکن و محتمل، و

ب. صفاتی که نتیجه عملکرد فرآیند صفت‌ساز افزودن یای نسبت بر اسمی که از

عربی وام گرفته شده است هستند، مانند *احتمالی* و *قطعی*.

صفات وجهی غیرمعرفتی فارسی نیز که دربردارنده پایه وجه وضعیتی هستند به

لحاظ ساختارهای به سه دسته تقسیم می‌شوند:

(۱۷) الف. صفاتی که از زبان عربی وام گرفته شده‌اند یا در ساختمان خود جزئی دارند

که ریشه در زبان عربی دارد، مانند لازم، مجبور و ضروری (منبع ترتیب این صفات در اکثر موارد تکلیفی است).

ب. صفاتی که محصول ترکیب *قابل* یا *پذیر* با آنچه کریمی‌دوستان (۱۳۸۶)

اسامی گزاره‌ای می‌نامد هستند، مانند *قابل اعتماد* و *تفسیرپذیر* (منبع ترتیب این

صفات در اکثر موارد توانمندی است)، و

ج. صفاتی که محصول افزودن یای صفت ساز به مصدرند و صفت لیاقت نامیده می‌شوند، مانند خوردنی و شدنی (نگاه کنید به منشی‌زاده ۱۳۸۳: ۵۶ که این صفات را دربردارنده وجه انشایی می‌داند).

### ۵-۳- محدودیت‌های حاکم بر متمم‌های اسمی صفات وجهی فارسی

صفات وجهی فارسی نمی‌توانند توصیف‌گر هر اسمی باشند و محدودیت‌هایی بر هم‌آیی آن‌ها و موصوفشان حاکم است. در اینجا به دو مورد از این محدودیت‌ها، یکی در ارتباط با صفات وجهی معرفتی و دیگری در ارتباط با صفات وجهی غیرمعرفتی، اشاره می‌کنیم. صفات وجهی معرفتی همچون ممکن، احتمالی و قطعی تنها توصیف‌گر آن دسته از اسامی هستند که به رویداد یا حالتی در جهان خارج اشاره دارند یا به نوعی با رویداد یا حالتی در جهان خارج در ارتباطند. بنا بر این محدودیت، ترکیبات وصفی (۱۸) قابل قبول و ترکیبات وصفی (۱۹) غیر قابل قبولند.

(۱۸) ساخت‌های ممکن این زبان، برنده احتمالی این مسابقه، پذیرش قطعی این مقاله

(۱۹)؟؟ پسر ممکن، گلدان احتمالی، لباس قطعی

باید توجه داشت که همه صفات وجهی معرفتی نمی‌توانند توصیف‌گر همه اسامی رویدادی باشند؛ به طور مثال، ترکیب برنده ممکن/این مسابقه غیرقابل قبول است. البته این خود می‌تواند ناشی از محدودیت دیگری باشد که بررسی آن از حیطة مقاله حاضر خارج است.<sup>۱</sup> دیگر آنکه در مورد صفات وجهی غیرمعرفتی مانند قابل اعتماد، شکستگی و ضروری، چنین محدودیتی اعمال نمی‌شود و بنابراین متمم اسمی این صفات چه به رویداد یا حالتی در دنیای خارج اشاره داشته باشند یا نداشته باشند، چنانکه در (۲۰الف) و (۲۰ب) مشاهده می‌کنیم، ترکیب حاصل قابل قبول خواهد بود.

(۲۰) الف. برنده قابل اعتماد، ساخت‌های ضروری در این زبان

۱. یکی از داوران مقاله اشاره می‌کند که ترکیبی مانند «قاتل احتمالی» خوش‌ساخت است و در محدودیت ذکر شده نمی‌گنجد، و اساساً تفاوتی با ترکیب نامأنوس «گلدان احتمالی» ندارد. در پاسخ چنین می‌گوییم که اسم «قاتل» فی‌ذاته ایفاگر نقشی در رویداد قتل است که بدین ترتیب به نوعی با رویدادی در ارتباط خواهد بود و این در محدودیت بالا آمده است درحالی‌که اسامی «گلدان» و «پسر» تنها در بافت‌هایی بسیار خاص می‌توانند با رویدادی ارتباط داشته باشند.

## ب. پسر قابل اعتماد، لباس‌های ضروری

اما صفات وجهی غیرمعرفتی نیز بر متمم اسمیشان محدودیت‌های اعمال می‌کنند. یکی از این محدودیت‌ها به ساخت موضوعی اسم گزاره‌ای یا جزء فعلی حاضر در ساختمان آن دسته از صفات وجهی باز می‌گردد که ساخت واژی آن‌ها را در (۱۷.ب) و (۱۷.ج) توصیف کردیم. به طور مثال، صفت وجهی غیرمعرفتی قابل اعتماد نمی‌تواند توصیفگر اسم گلدان باشد چرا که اسم گزاره‌ای اعتماد اسمی را به عنوان موضوع انتخاب می‌کند که دارای مشخصه معنایی [+جاندار] باشد و گلدان فاقد چنین مشخصه‌ای است. بنا بر چنین محدودیتی، ترکیبات (۲۱.الف) قابل قبول و ترکیبات (۲۱.ب) غیر قابل قبولند.

(۲۱) الف. آدم قابل اعتماد، رویداد تفسیرپذیر، گلدان شکستنی

ب.؟؟ گلدان قابل اعتماد،؟؟ رویداد شکستنی،؟؟ آدم تفسیرپذیر

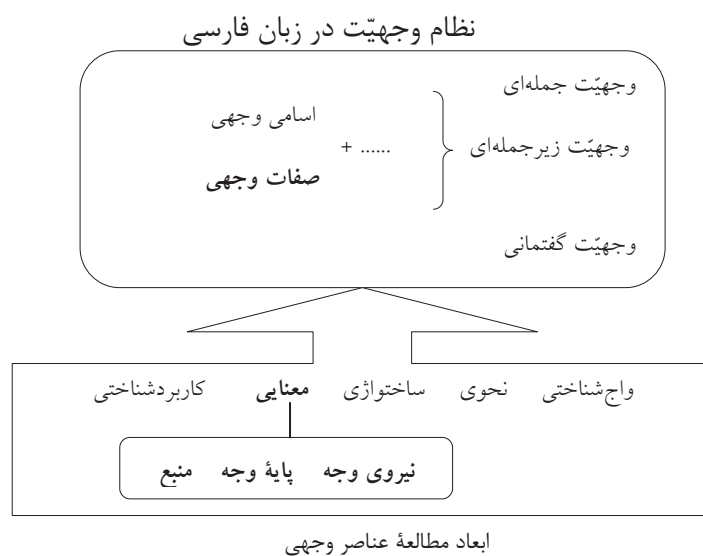
در پایان، ناگفته نماند که تحقیق در صفات وجهی فارسی به بررسی ابعاد معنایی و ساختواژی و یا مطالعه محدودیت‌های حاکم بر هم‌آیی آن‌ها و متمم‌های اسمیشان ختم نمی‌شود و این‌ها تنها سرنخ‌هایی هستند که ما را به پژوهش‌های گسترده‌تر رهنمون می‌شوند.

## ۶- نتیجه

در این مقاله به دنبال‌الگویی برای مطالعه نظام‌مند وجهیت در زبان فارسی پیرو تعریف پورتر (۲۰۰۹) از وجهیت به عنوان پدیده‌ای زبانی شدیم و طبقه‌بندی او از عناصر وجهی را پذیرفتیم؛ بر آن اساس پیشنهاد شد که عناصر وجهی فارسی را در تصویری بیاوریم که وجهیت را در سطح جمله (وجهیت جمله‌ای)، در سطح سازه‌های کوچک‌تر از جمله (وجهیت زیرجمله‌ای) و در سطح گفتمان (وجهیت گفتمانی) به نمایش می‌گذارد. سپس اشاره شد که در این نظام می‌توان هر یک از عناصر وجهی را به لحاظ واج‌شناختی، ساختواژی، نحوی، معنایی و کاربردشناختی مورد مطالعه قرار داد و در این راستا در بخش سوم مروری داشتیم بر سه بعد معنایی نیروی وجه، پایه وجه و منبع ترتیب که اساس نظریه وجهیت کراتزر (۱۹۸۱، ۱۹۹۱) را تشکیل می‌دهند.

در بخش چهارم، نشان دادیم که طبقه‌بندی صرفی- نحوی طالقانی (۲۰۰۸) و توانگر و عموزاده (۲۰۰۹) از عناصر وجهی فارسی را می‌توان با افزودن اسامی وجهی و

صفات وجهی گسترش داد و بدین ترتیب دو عنصر وجهی جدید را به نظام وجهیت زبان فارسی معرفی کردیم. در پایان به بررسی مختصر ویژگی‌های معنایی و ساختوازی صفات وجهی در زبان فارسی پرداختیم و مطالعه دقیق‌تر این صفات و نیز تحقیق در اسامی وجهی فارسی را به پژوهش‌های آتی وانهادیم. نمودار ۳ خلاصه‌ای از موضوعات مطرح شده در این مقاله است.



نمودار ۳. نظام وجهیت در زبان فارسی.

سپاسگزار اساتید گرانقدر آنجلیکا کراتزر و علی درزی هستیم که مقالات خود را در اختیار ما قرار دادند. همچنین تشکر می‌کنیم از داوران مجله پژوهش‌های زبانی که از نظراتشان بهره‌مند شدیم.

### منابع

اخلاقی، فریار (۱۳۸۶). بایستن، شدن و توانستن: سه فعل وجهی در فارسی امروز. دستور ۳: ۸۲-۱۳۲.  
رحیمیان، جلال (۱۳۷۸). وجه فعل در فارسی امروز. مجله علوم اجتماعی و انسانی شیراز ۱۴ (۲): ۴۱-۵۲.

عموزاده، محمد و حدائق رضایی (۱۳۸۹). ابعاد معناشناختی «باید» در زبان فارسی. پژوهش‌های زبانی ۱: ۵۷-۷۸.

عموزاده، محمد و شاه ناصری، شادی (۱۳۹۰). بررسی پیامدهای ترجمه از انگلیسی بر مقوله وجهیت در فارسی. پژوهش‌های زبانی ۲: ۲۱-۵۰.  
کریمی‌دوستان، غلامحسین (۱۳۸۶). اسامی و صفات گزاره‌ای در زبان فارسی. دستور ۳: ۱۸۷-۲۰۲.  
منشی‌زاده، مجتبی (۱۳۸۳). نگاهی تازه به صفت لیاقت. دستور ۱: ۵۳-۵۷.

- Allan, K. 1986. *Linguistic meaning*, vol. 2. London: Routledge & Kegan Paul.
- Butler, J. 2003. A minimalist treatment of modality. *Lingua* 113: 967-996.
- Chomsky, N. 1995. *The minimalist program*. Cambridge MA: MIT Press.
- Darzi, A. 2008. *Subjunctive-negation interaction in Persian*. *Proceedings of the 18<sup>th</sup> International Congress of Linguists*, Korea University, Seoul, Korea.
- Von Fintel, K. 2006. Modality and language D.M. Borchert. in *Encyclopedia of philosophy (2<sup>nd</sup> ed.)*. (ed.). Detroit: MacMillan Reference USA.
- Hacquard, V. 2006. Aspects of modality. PhD dissertation, MIT.
- Hacquard, V. (2010). On the Event Relativity of Modal Auxiliaries. *Natural Language Semantics* 18(1) : 79-114.
- Karimi-Doostan, G. 1997. Light Verb Constructions in Persian. Doctoral dissertation, Essex University, Colchester.
- Karimi-Doostan, G. 2005. Light verbs and structural case. *Lingua* 115: 1737-1756.
- Kratzer, A. 1977. What 'must' and 'can' must and can mean. *Linguistics and Philosophy* 1: 337-355.
- Kratzer, A. 1981. The notional category of modality. In *Words, worlds, and contexts: new approaches in word semantics*. In H.J. Eikmeyer, and H. Rieser (eds.), 38-74. Berlin: Walter de Gruyter.
- Kratzer, A. 1991. Modality. In *Semantics: An international handbook of contemporary research*, A. von Stechow, and D. Wunderlich (eds). 639-650. Berlin: de Gruyter.
- Kratzer, A. 2012. *Modals and conditionals: New and revised perspectives*. Oxford: Oxford University Press.
- Kripke, S. 1959. A completeness theorem in modal logic. *The Journal of Symbolic Logic* 24: 1-14.
- Kripke, S. 1963. Semantical considerations on modal logic. *Acta Philosophica Fennica* 16: 83-94.
- Lyons, J. 1977. *Semantics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Morante, R, and Sporleder, C. in print. Modality and negation: An introduction to the special issue. *Computational Linguistics*.
- Narrog, H. 2005. On defining modality again. *Language Sciences* 27: 165-192.

- Nuyts, J. 1993. Epistemic modal adverbs and adjectives and the layered representation of conceptual and linguistic structure. *Linguistics* 31: 933-969.
- Nuyts, J. 2001. *Epistemic modality, language, and conceptualization*. Amsterdam & Philadelphia: John Benjamins.
- Nuyts, J. 2006. Modality: overview and linguistic issues. In W. Frawley (ed.), *The expression of modality*, 1-26. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Palmer, F.R. 2001. *Mood and Modality* (2<sup>nd</sup> ed.). Cambridge: Cambridge University Press.
- Portner, P. 2007. Imperatives and modals. *Natural Language Semantics* 15(4) : 351-383.
- Portner, P. 2009. *Modality*. Oxford: Oxford University Press.
- Rahimian, J., and Vahedi, Z. 2010. The semantic-pragmatic analysis of Persian modal verbs based on Papafragou's model. *Lodz Papers in Pragmatics* 6(1) : 67-116.
- Saeed, J.I. 2009. *Semantics* (3<sup>rd</sup> ed.). London: Wiley-Blackwell.
- Taleghani, A.H. 2008. *Modality, aspect and negation in Persian*. Amsterdam: John Benjamins B.V.
- Tavangar, M., and Amouzadeh, M. (2009). Subjective modality and tense in Persian. *Language Sciences* 31: 853-873.
- von Wright, G.H. 1951. Deontic logic. *Mind* 237: 1-15.
- Wurmbbrand, S. 1999. Modal verbs must be raising verbs. In *WCCFL 18 Proceedings*, S. Bird, A. Carnie, J. Haugen, and P. Norquest (eds.). 599-612. Somerville MA: Cascadilla Press.